

جایگاه همکاریهای بازرگانی در نظریه‌های روابط بین‌الملل*

ترجمه دکتر وحید بزرگی**

تبیین آنها درباره منطق همکاری در حوزه تجارت بین‌الملل تمرکز خواهیم کرد. [۲]
در آغاز بد نیست که رویکردهای عقل‌گرایانه را از رویکردهای جامعه‌شناسانه‌تر متمایز کنیم. دو نظریه برجسته در مورد همکاری بین‌المللی - یعنی نهادگرایی نولیبرالی و نواقعه‌گرایی - خصیصه عقل‌گرایانه دارند، بدین معنا که دولت‌ها را بازیگرانی «خودخواه و هدفدار که رفتار آنها بر اساس بیشینه‌سازی مطلوبیت فردی می‌توان تبیین نمود» قلمداد می‌کنند. [۳] همان‌طور که در سطور زیر خواهیم دید، هر دو رویکرد نهادگرایی نولیبرالی و نواقعه‌گرایی در مطالعه رژیم تجاری پس از پایان جنگ سرد بسیار مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در حالی که نهادگرایان نولیبرال روی تأثیر موافقت‌نامه‌های تجاری بر کارایی تأکید می‌کنند، نواقعه‌گرایان معمولاً روی اهمیت کلیدی قدرت و منازعات توزیعی در تعیین چشم‌انداز همکاری بین‌المللی در حوزه تجارت تکیه می‌کنند.

برخلاف نگرش عقل‌گرایانه نهادگرایی نولیبرالی و نواقعه‌گرایی، نظریه‌هایی که عموماً زیر مقوله «سازنده‌انگاری اجتماعی» قرار می‌گیرند، با رویکردی جامعه‌شناسانه‌تر به نظام بین‌الملل می‌نگرند. این نظریه‌ها روی جنبه‌های هنجاری و بین‌ذهنی همکاری بین‌المللی تکیه می‌کنند و این تفکر را نمی‌پذیرند که همکاری و نهادگرایی را بخوبی می‌توان بر اساس تعامل

مسأله همکاریهای بین‌المللی و عوامل تشویق‌کننده یا محدودکننده آن، در متون روابط بین‌الملل موضوع تحلیل دیدگاههای نظری گوناگونی بوده است [۱] هدف مقاله حاضر این است که شباهتهای موجود بین رویکردهای اقتصادی و رویکردهای روابط بین‌الملل در زمینه همکاری تجاری را بررسی کرده و مهم‌تر از آن، یافته‌های اضافی متون روابط بین‌الملل در مقایسه با تبیین‌های اقتصادی و اقتصادی - سیاسی محض را نشان دهیم.

(۱) کارایی، قدرت، هنجارها و اندیشه‌ها:

درآمدی خلاصه بر نظریه‌های

روابط بین‌الملل درباره همکاری

رویکردهای روابط بین‌الملل در مورد همکاری و نهادسازی بین‌المللی تا حد زیادی می‌توانند به تجزیه و تحلیل مسأله همکاری در حوزه تجارت بین‌الملل کمک کنند. نظریه‌های متعددی به درک این مسأله کمک می‌کنند که چگونه همکاری بین‌المللی در حوزه تجارت بر اساس ملاحظات مربوط به کارایی، قدرت و منازعات توزیعی، و هنجارها و اندیشه‌های مشترک شکل می‌گیرد. در جدول زیر توصیف کلی و طرحوار مهم‌ترین نظریه‌های روابط بین‌الملل درباره همکاری آمده است. با این حال، برای رعایت اختصار، در قسمت حاضر عمدتاً روی «نظریه‌های کلان» روابط بین‌الملل و

* منبع : World Trade Organization. World Trade Report 2007. Geneva: WTO Publications, 2007, pp. 64-79.

** استادیار مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

و مقامات دولتی می گذارند.

۲) رویکردهای «دولت گرایانه» در مورد همکاری تجاری: دولتها چونان بازیگران

در رشته روابط بین الملل، مکاتب گوناگونی با رویکرد دولت گرایانه به همکاری تجاری بین المللی می نگرند. موضوع بررسی این مکاتب را دولتهای ملی دارای حاکمیت مستقل تشکیل می دهند که فرض می شود چونان بازیگرانی یکپارچه در نظام بین الملل هستند.

۲-۱) رویکردهای عقل گرایانه در مورد همکاری بین الملل: شکست و نارسایی بازار، قدرت و توزیع

۲-۱-۱) تکیه بر کارایی: نهادگرایی نولیبرالی

استدلال نهادگرایی نولیبرالی این است که همکاری بین دولتها بر اساس محاسبه منافع انجام می گیرد. مضمون اصلی این نظریه این است که مشکلات اقدام جمعی، هزینه های معامله، و نابرابریها و کمبودهای اطلاعاتی ممکن است وضعیتی را به وجود آورند که در آن، رفتاری که از نظر یکایک دولتها عقلانی است جلوی تحقق منافع متقابل دولتها را بگیرد (مثل بازی معمای زندانی). در چنین وضعیتی، رژیمهای بین المللی یا نهادهای بین المللی [۷] از طریق ارائه اطلاعات، کاهش ابهام و عدم اطمینان، و کاهش هزینه های معامله - یعنی هزینه های ایجاد قواعد و مقررات، نظارت بر آنها و اجرای آنها - باعث می شوند که دولتها بتوانند با یکدیگر همکاری کنند. [۸] رژیمهای بین المللی از این نظر باعث تسهیل همکاری می گردند که روی محاسبه هزینه و سود اقدامات یا گزینه های مختلف تأثیر می گذارند. یکی از اندیشه های محوری نهادگرایی نولیبرالی در شکل اولیه آن [۹] این بود که همکاری بین دولتها مستلزم وجود یک سازمان بین المللی رسمی با اختیارات اجرایی مرکزی نیست. در واقع، رژیمهای بین المللی به منزله موافقتنامه هایی خودگردان هستند و رعایت قواعد و مقررات این رژیمها به رفتار متقابل و نقش شهرت بستگی دارد. [۱۰] بر این اساس، نهادگرایی نولیبرالی

استراتژیک دولتهای طالب پیشینه سازی مطلوبیت تبیین نمود. [۴] یکی از موارد اولیه کاربرد سازنده انگاری اجتماعی در تحلیل رژیم تجاری بین المللی، مقاله اثر گذار راگی درباره «لیبرالیسم ریشه دار» است که به تجزیه و تحلیل نظام تجاری چندجانبه بعنوان یک «چارچوب معنایی بیناذهنی» پرداخته است. [۵] در مطالعه رژیم تجاری از سازنده انگاری کمتر از نولیبرالیسم و نوواقعگرایی استفاده شده است [۶]، ولی همان طور که بعداً خواهیم دید، سازنده انگاری یک درجه جدید و جذاب به روی همکاری تجاری باز می کند.

برخی از نظریه های روابط بین الملل این فرض «دولت گرایانه» را رد می کنند که ملتها بازیگرانی یکپارچه با یک مطلوبیت ثابت یا با مجموعه واحدی از هنجارها و ارزشها هستند. این رویکردها به بررسی چگونگی تأثیرگذاری تعاملات داخلی روی اولویتها و هنجارهای سیاستگذاران مسئول تدوین سیاست تجاری ملی و مذاکره درباره موافقتنامه های تجاری بین المللی می پردازند. این نظریه ها با تکیه بر سیاست تجاری در سطحی خردتر از کل دولت یا ملت، روی نقش انواع واحدهای دولتی و بازیگران غیردولتی در داخل - مثل گروههای ذی نفوذ یا سازمانهای غیردولتی - تأکید می کنند. این نظریه ها به تجزیه و تحلیل نحوه تعامل گروههای مذکور برای تأثیرگذاری بر سیاست تجاری می پردازند. رویکردهای عقل گرایانه در مورد نحوه شکل گیری داخلی سیاست تجاری، رویکردهای «لیبرالی» خوانده می شوند. این رویکردها به بررسی نقش افراد و گروههای ذی نفوذ بعنوان بازیگران اساسی سیاست جهانی می پردازند. طبق این رویکردها، رفتار عقلانی و رانت جویانه نخبگان و گروههای ذی نفوذ خاص روی اعمال و اقدامات مقامات و دیوانسالاران منتخب تأثیر گذاشته یا حتی می تواند نقشی تعیین کننده در این زمینه داشته باشد. در مقابل، نظریه های موسوم به «شناخت گرایی ضعیف» در مورد نحوه شکل گیری اولویتها از این اندیشه سازنده انگارانه حمایت می کنند که هنجارها، ارزشها، عادات و سنتهایی که در داخل رواج می یابند، تأثیری تعیین کننده روی تصمیم گیران تجاری

روی ماهیت دوجانبه و غیر متمرکز رژیمهای همکاری بین‌المللی تأکید می‌کند. [۱۱]

اگر این منطق را به طور عینی‌تر در مورد همکاریهای تجاری به کار بریم، روشن می‌شود که بین نهادگرایی نولیبرالی و نظریه‌های اقتصادی برجسته درباره موافقتنامه‌های تجاری و جوه اشتراك زیادی وجود دارد. نظریه‌های تجاری مبتنی بر آثار خارجی یا برونزا، بویژه رویکرد رابطه مبادله، با نگرشی کنشگر محوره، دولت‌گرایانه و کارایی‌گرایانه به همکاریهای تجاری می‌نگرند. آن دسته از نارساییهای بازار، آثار خارجی یا برونزا، و ناکاراییهایی را که به نظر نهادگرایان نولیبرالی از طریق همکاری تجاری بین‌المللی رفع شدنی هستند، می‌توان آثار خارجی مربوط به قیمت‌های جهانی هم خواند که در نظریه رابطه مبادله، جایگاه مهمی دارند. علاوه بر این، از دیدگاه نهادگرایی نولیبرالی می‌توان گفت که موافقتنامه‌های تجاری باعث تعدیل مشکلاتی می‌شوند که ملاحظات اقتصادی در انجام اقدامات جمعی به وجود می‌آورند. اگر هیچ‌یک دو کشوری نخواهد هزینه‌های تهیه، اجرا و حفظ موافقتنامه‌های تجاری را که به نفع همه است به عهده بگیرد، ایجاد یک رژیم چندجانبه، با ارائه کالایی عمومی که به نفع نظام تجاری بین‌المللی است، مشکل مذکور را رفع می‌کند.

هر چند نهادگرایی نولیبرالی معمولاً روی بازی معمای زندانی بعنوان مشکل کلی اقدام جمعی در روابط بین‌الملل تکیه می‌کند، ولی منطق آن در مورد سایر الگوهای تعامل استراتژیک بین دولتها نیز به کار رفته است. برخی نویسندگان کوشیده‌اند که نحوه شکل‌گیری رژیمهای بین‌المللی (و خصوصیات رسمی رژیمهای مختلف) را بر اساس «ساختارهای استراتژیک» متفاوت مسائل اساسی اقدام جمعی توضیح دهند. [۱۲] یکی از موارد معروف، تفکیک مسائل همکاری از مسائل هماهنگی است. [۱۳] اغلب استدلال می‌شود که رژیمهای همکاری در زمینه نظارت و اجرا نوعاً رسمی‌تر و نهادی‌تر از رژیمهای هماهنگی هستند. متأسفانه، در آثار نهادگرایان این مسأله به اندازه کافی بررسی نشده است که موافقتنامه‌های تجاری را از چه جهاتی می‌توان رژیمهای هماهنگی تلقی کرد و این

امر چه تأثیری روی طراحی موافقتنامه‌های تجاری خواهد داشت. [۱۴]

۲-۱-۲ تکیه بر توزیع: مکتب نواقعگرایی

در حالی که نهادگرایان نولیبرال روی نقش همکاری بین‌المللی در رفع نارسایی بازار و سایر مسائل مربوط به کارایی و سرانجام دستیابی به کارایی مشترک بیشتر تأکید می‌کنند، نواقعگراییان این قضیه را رد می‌کنند که نارسایی بازار به این مفهوم یکی از مسائل اساسی روابط بین‌الملل است. نواقعگراییان بیشتر روی نقش «قدرت و توزیع» تأکید می‌کنند [تاروی اطلاعات و عواید مشترک]. مسأله اساسی این است که دولتها روی مرز پار تو در کجا قرار می‌گیرند، نه اینکه چگونه می‌توان به مرز پار تو دست یافت. [۱۵] در نتیجه، طرفداران این نظریه، اعتبار استعاره معمای زندانی را زیر سؤال برده و معتقدند که یک مدل بازی مناسبتر، بازی «نبرد جنسی» است که یک نوع بازی هماهنگی با دو نقطه تعادل مذاکراتی ممکن است. بازیگران ترجیحات متعارضی درباره این دو بهینه دارند. [۱۶]

در این زمینه، نویسندگان چندی این تصور را رد کرده‌اند که استعاره معمای زندانی بخوبی صورت‌بندی منافع دولتها را در تجارت بین‌الملل منعکس می‌کند. [۱۷] طبق نظریه نواقعگرایی، انگیزه اصلی همکاری دولتها این نیست که به افزایش کارایی متقابل برای رسیدن به رفاه بیشتر دست یابند. در واقع، دولتها می‌کوشند تا با گرفتن امتیاز هر چه بیشتر از سایر بازیگران به جایگاه بالاتری در نردبان قدرت دست یابند. نواقعگراییان معتقدند که آنچه همکاری را در درجه اول دشوار می‌سازد، دقیقاً مسأله توزیع است. آنها استدلال می‌کنند که به دلیل ماهیت هرج و مرج آمیز نظام بین‌الملل، دولتها اغلب از مشارکت در رژیمهای همکاری بین‌المللی معطوف به کارایی که ممکن است منافع بیشتری برای دولتهای دیگر داشته باشند، خودداری می‌کنند. [۱۸] این نگرانی درباره «منافع و عواید نسبی» معلول این امر است که عواید اقتصادی در نهایت می‌تواند به توانایی نظامی تبدیل شود. «دولتها بر اثر علاقه‌ای که به بقا و استقلال دارند، بشدت در مورد

مورد مذاکرات موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت / سازمان جهانی تجارت استفاده کرده‌اند. [۲۶] بدین ترتیب، انعقاد موافقتنامه‌های تجاری ممکن است معلول تمایل و علاقه دولتها نباشد بلکه معلول اعمال فشار دولتهای قدرتمندی باشد که در پی ایجاد وابستگی یا استثمار کشورهای ضعیفتر هستند. [۲۷]

اخیراً این اندیشه مورد انتقاد قرار گرفته است که در مورد همکاری بین‌المللی یا باید مثل نهاد گریان نولیب‌رال روی مسأله کارایی تأکید کرد یا باید مثل نواقعه‌گر ایان به مسائل توزیعی بها داد. جیمز فیرون استدلال کرده است که مقوله‌بندی دوگانه همکاری-هماهنگی، گمراه‌کننده است، زیرا کلیه مسائل مربوط به همکاری بین‌المللی، یک ساختار استراتژیک مشترک دارند. او معتقد است که همکاری بین‌المللی همیشه در وهله اول با مسأله چانه‌زنی درباره توزیع عواید و منافع همکاری‌های آینده سروکار دارد. این چانه‌زنی شبیه بازی هماهنگی است. از طرف دیگر، بازی‌های همکاری با مسأله اجرا و نظارت هم سروکار دارند و این شبیه بازی همکاری معمایی زندانی است. [۲۸] در حالی که تلقی کردن استعاره معمایی زندانی بعنوان مسأله اصلی همکاری بین‌المللی به بروز این انتظار منجر می‌شود که دولتها در صورت برخورداری از توانایی بازدارنده کافی در زمینه اجرا و نظارت، مشکل چندانی برای همکاری نخواهند داشت، تفکیک مرحله چانه‌زنی از مرحله اجرا در همکاری‌های بین‌المللی به پیش‌بینی‌های متفاوت و ظریف‌تری می‌انجامد. از نظر فیرون، مسائل چانه‌زنی، در مقایسه با مسائل اجرا و نظارت، اغلب موانع مهمتری را برای همکاری بین‌المللی به وجود می‌آورد. [۲۹] بر این اساس، او استدلال می‌کند که «رژیم‌های [بین‌المللی] را بیشتر باید مجامعی برای چانه‌زنی دانست تا نهادهایی که به اجرا و نظارت کمک می‌کنند.» [۳۰]

با کاربرد نظریه فیرون در مورد موافقتنامه‌های تجاری نمی‌توان دلیل همکاری کشورهای در حوزة تجارت را دریافت. ولی فیرون توجه ما را به موانع ذاتی دستیابی به یک توافق تجاری جلب می‌کند. [۳۱] بعلاوه، رویکرد وی می‌تواند به فهم ساختار مذاکرات هم کمک کند. برای برطرف کردن منازعات توزیعی در

کاهش توانایی نسبی خود حساسیت دارند.» [۱۹] بر این اساس، دولتها خودخواهانی عقلانی نیستند بلکه به «موقعیت دفاعی» خود می‌اندیشند. [۲۰]

در ظاهر امر، فرضیه نواقعه‌گر ایان درباره منافع نسبی به تبیین انعقاد موافقتنامه‌های تجاری بین کشورها کمک نمی‌کند و برعکس رویگردانی دولتها از همکاری با یکدیگر را توجیه می‌کند. با این حال، مسأله منافع نسبی و مطلق باعث بروز مباحثه شدیدی در مورد گستره و حدود همکاری تجاری شده است. این مسأله باعث تمرکز روی این مسأله شده است که آیا منافع نسبی امنیتی باعث کاهش احتمال همکاری بین‌المللی می‌شود و آیا عملاً دولتها توجهی به این گونه منافع نسبی دارند یا خیر. [۲۱] جوزف گریکو استدلال کرده است که بررسی اجرای برخی از موافقتنامه‌های دور توکیو در مورد موانع غیر تعرفه‌ای، نظریه‌وی در مورد اهمیت منافع نسبی امنیتی را تأیید می‌کند. [۲۲] ولی این استدلال با انتقادات زیادی روبرو شده است. [۲۳] به نظر می‌رسد که نظر غالب این است که اهمیت منافع نسبی به عوامل متعددی مثل تعداد دولتهای درگیر قضیه بستگی دارد. به نظر می‌رسد که اهمیت منافع نسبی در یک چارچوب چندجانبه کمتر از یک چارچوب دو جانبه است. [۲۴]

لوید گروبر روی اهمیت نابرابریهای قدرت جهانی در مورد موافقتنامه‌های تجاری تأکید می‌کند. او این تصور را رد می‌کند که همکاری تجاری به ارتقای رفاه متقابل می‌انجامد. او استدلال می‌کند که مبادرت داوطلبانه دولتها به ایجاد ترتیبات همکاری به این معنا نیست که این ترتیبات لزوماً رفاه کلیه شرکت‌کنندگان را افزایش می‌دهد. اگر دولتهای قدرتمند به‌طور یکجانبه بتوانند وضع موجود را تغییر داده و بدین طریق انتخاب حفظ وضع موجود را از مجموعه گزینه‌های دولتهای ضعیفتر حذف کنند، دولتهای ضعیفتر یا باید به موافقتنامه‌ای تن در دهند که از وضع موجود بدتر است و یا دچار وضعی می‌شوند که از آن موافقتنامه هم بدتر است. [۲۵] بنابراین، عضویت در ترتیبات همکاری می‌تواند کشورهای را دچار وضعی بدتر از وضع موجود سازد. اخیراً برخی نویسندگان هم از این استدلال در

حدودی به این دلیل به تشکیل رژیم بین‌المللی تجاری پس از جنگ سرد کمک کرد که تعهد و پایبندی خود به تجارت آزاد را ثابت کند. [۳۵] این می‌تواند علاقه آمریکا به چندجانبه‌گرایی را در دهه ۱۹۹۰ توجیه کند: در حالی که جنگ سرد باعث تعهد به ثبات و رفاه اروپای غربی و در نتیجه کاهش «ضرورت نشان دادن یک علامت خاص تجاری برای تأیید تمایل و پایبندی آمریکا به تجارت آزاد» شد، پایان جنگ سرد نیز دوباره آمریکایی را که به یکجانبه‌گرایی شهرت یافته بود، با مسأله چگونگی مطمئن ساختن سایر دولت‌ها نسبت به پایبندی آمریکا به تجارت آزاد روبرو ساخت.

۲-۲) تکیه بر اندیشه‌ها، دانش و ارزش‌ها: نظریه‌های سازنده‌انگاران در باره نظام بین‌الملل

در بررسی دلیل همکاری دولت‌ها در امور تجاری، نظریه‌های سازنده‌انگاران اجتماعی یا جامعه‌شناختی می‌توانند کمک زیادی به شناخت شرایط کلی همکاری بین‌المللی در حوزه تجارت بکنند. سازنده‌انگاران نشان می‌دهند که نه تنها هنجارها و ارزش‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند، بلکه تاریخ هم حایز اهمیت است. در حالی که نظریه‌های عقل‌گرایانه معمولاً فقط روی مطلوبیت، منافع و انتخاب تأکید می‌کنند، سازنده‌انگاران معتقدند که در سها و تجارب گذشته به تصور دولت‌ها در مورد همکاری تجاری و در نتیجه به تصمیمات آنها شکل می‌دهند.

سازنده‌انگاران استدلال می‌کنند که نظریه‌های منفعت‌گرایانه انتخاب عقلانی که در بالا بررسی شدند، نقش اندیشه‌ها و دانش را در شکل‌گیری هویت دولت‌ها نادیده می‌گیرند. طرفداران نظریه‌های شناخت‌گرایانه ساختاری یا قوی معتقدند که دولت‌ها بر اساس قواعد رفتار می‌کنند و همکاری و نهادسازی بین‌المللی را بدون توجه به ساختارهای هنجاری جاافتاده‌ای که به هویت دولت‌ها شکل می‌دهند نمی‌توان درک کرد. [۳۶] بعنوان نمونه، روس - اسامیت استدلال می‌کند که نه نواقعی‌گرایی می‌تواند تکامل تاریخی چندجانبه‌گرایی را تبیین کند و نه نهاد‌گرایی نولیبرالی. چندجانبه‌گرایی بعنوان نهاد بنیادی جامعه بین‌المللی مدرن در واقع به

مورد عواید مورد انتظار همکاری تجاری و اصلاً برای دستیابی به یک موافقتنامه، دولت‌ها می‌کوشند تا فرایند مذاکره را سازمان دهند. هدف همه این استراتژی‌ها یا راهبردها دستیابی سریع به یک موافقتنامه، تعدیل منازعات خسته‌کننده توزیعی و جلوگیری از شکست مذاکرات است. برای مثال، پرداخت‌های جانبی و ایجاد پیوند میان مسائل یا حوزه‌های موضوعی مختلف، روش‌هایی برای کوتاه کردن فرایند چانه‌زنی است. [۳۲] تدریجی‌گرایی با پیشرفت تدریجی (مفهوم دورهای مذاکرات تجاری) می‌تواند «چشم‌انداز آینده» را محدود سازد. محدود بودن چشم‌انداز آینده باعث کاهش عواید و منافع مورد انتظار تجارت و در نتیجه باعث کاهش انگیزه تداوم بلندمدت مذاکرات می‌شود. یک فرایند چانه‌زنی سازمان یافته و مبتنی بر ارائه پیشنهادات متقابل باعث کاهش تنش‌های مذاکراتی می‌شود. نشستهای منظم مقامات بلندپایه و بالا بردن هزینه سیاسی شکست (مثل شرط «تعهد واحد» در دوران گوته) به مثابه استراتژی‌هایی برای بالا بردن هزینه شکست مذاکرات و کاهش انگیزه شرکت کنندگان برای پنهانکاری از یکدیگر در فرایند مذاکرات است.

۲-۱-۳) تکیه بر قدرت مسلط در نظام بین‌الملل:

نظریه ثبات سیادت آمیز

طبق نظریه ثبات سیادت آمیز، شکل‌گیری و تداوم یک نظام بین‌المللی باز و آزاد مستلزم وجود یک دولت با منابع قدرت غالب در یک حوزه خاص است و توزیع برابرتر قدرت به افول رژیم بین‌المللی مربوطه می‌انجامد. [۳۳] تنها یک دولت سیادت‌مند است که می‌تواند بر شکست و نارسایی بازار بین‌المللی فایز آمده و به ارائه کالاهای عمومی جهانی بپردازد.

اگرچه نظریه پردازان زیادی، نظریه ثبات سیادت آمیز را رد می‌کنند [۳۴]. ولی این نظریه هنوز از جایگاه مهمی در مطالعات مربوط به همکاری‌های بین‌المللی برخوردار است. بعنوان مثال، استدلال شده است که یک دولت سیادت‌مند با این مسأله مواجه است که چگونه دولت‌های دیگر را مطمئن سازد که فرصت طلبانه عمل نمی‌کند. در این زمینه گفته شده است که آمریکا تا

۱۹۳۰، این مصالحه ماهیتی چندجانبه داشت و برخلاف لیبرالیسم مبتنی بر معیار طلا و تجارت آزاد، چندجانبه‌گرایی این مصالحه بر پایه مداخله‌گرایی داخلی استوار بود.» [۴۱]

شناخت‌گرایی قوی بر اساس این فرض مبتنی است که آنچه دولت‌ها را به همکاری در امور تجاری تشویق می‌کند عمدتاً پخش شدن هنجارها و اندیشه‌ها در نظام بین‌الملل است. ولی این گونه نظریه‌ها در نهایت روشن نمی‌کنند که چگونه هنجارها، ارزشها و باورهای مشترک در نظام بین‌الملل پخش می‌شود. یک‌گرایش قدیمی‌تر در نظریه‌های روابط بین‌الملل دقیقاً به همین مسأله پرداخته است: مکتب انگلیسی. طرفداران این مکتب روی اهمیت «جامعه بین‌المللی» در همکاری جهانی تأکید می‌کنند. در اینجا، جامعه بین‌المللی به مثابه گروهی از دولت‌ها که اندیشه‌های مشترک و اهداف سازگاری دارند، قلمداد می‌شود. [۴۲] یکی از مسائل محوری این مکتب تبیین این مسأله است که چگونه اهداف مشترک در سطح بین‌المللی پخش شده و به ایجاد نظم کمک می‌کنند. [۴۳] در این مکتب، در زمینه همکاری تجاری، اعتقاد ویژه‌ای به نقش تجارت در ارتقای صلح وجود دارد. این اندیشه که تجارت چندجانبه و غیر تبعیض‌آمیز به ارتقای صلح جهانی کمک زیادی می‌کند، یکی از بنیادهای فکری سیاستگذاران انگلیسی و آمریکایی درباره طراحی نظام تجاری پس از جنگ جهانی دوم بود. [۴۴] نظریه‌های مربوط به پخش و انتشار هنجارها (که بشدت به داده‌های تاریخی استناد می‌کنند) می‌کوشند تا نشان دهند که چگونه تصور دستیابی به صلح از طریق تجارت پدید آمد [۴۵] و مهمتر این که چگونه برخی دولت‌های بانفوذ - مثل انگلیس، آمریکا، کانادا و استرالیا - کشورهای دیگر را به مشارکت در همکاری بین‌المللی چندوجهی ترغیب کردند.

با تأثیرپذیری از پیشرفتهای نظری سازنده‌انگاری، طرفداران سایر نظریه‌های کلان روابط بین‌الملل بعداً کوشیدند تا اهمیت انگیزه‌های «فکری یا ذهنی» را در یک چارچوب انتخاب عقلانی لحاظ کنند. در یکی از متون مؤثر نهاد‌گرایی نولیبرالی استدلال شده است که

منزله ساختار قانونی جامعه بین‌المللی است که از باورهای مسلط درباره هدف اخلاقی دولت، هنجار عدالت‌شکلی یا رویه‌ای، و اصل سازمان‌دهنده حاکمیت تشکیل می‌شود. [۳۷]

همان‌طور که در سطور قبل اشاره شد، تحلیل‌راگی درباره «لیبرالیسم ریشه‌دار» یکی از نمونه‌های بارز کاربرد رویکرد سازنده‌انگاری اجتماعی در مطالعه رژیم تجاری بین‌المللی است. راگی استدلال می‌کند که رژیم‌های بین‌المللی، نهادهایی اجتماعی هستند و به همین دلیل «چارچوبهای معنایی بین‌ذهنی» را تشکیل می‌دهند. [۳۸] پیدایش رژیم‌های بین‌المللی یکی از نشانه‌های «بین‌المللی شدن اقتدار سیاسی» است. از آنجا که اقتدار سیاسی «آمیزه‌ای از قدرت و هدف اجتماعی مشروع است»، تفسیرهایی که صرفاً روی قدرت تکیه می‌کنند و مسأله هدف اجتماعی را نادیده می‌گیرند، قطعاً ناقص هستند. [۳۹] این تفسیرها ممکن است بتوانند شکل یک رژیم را تبیین کنند، ولی محتوای آن را نمی‌توانند تبیین کنند. درباره اهداف اجتماعی مشروع، راگی روی تفاوت‌های بنیادی نظام اقتصادی بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم (با «نهادهای برتون وودز» - بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول - و گات بعنوان کانون آن) با نظام اقتصادی لیبرالی حاکم در قرن نوزدهم تأکید می‌کند. به نظر راگی، علت شکست تلاشهایی که برای بازسازی و اعاده یک رژیم اقتصادی بین‌المللی لیبرالی در دوران میان دو جنگ جهانی انجام گرفت، فقدان یک دولت سیادت‌مند نبود، بلکه این بود که «حتماً اگر یک دولت سیادت‌مند وجود داشت، [تلاشهای مذکور] در تعارض با دگرگونی نقش واسطه‌گری دولت بین بازار و جامعه - که به تغییر بنیادی هدف اجتماعی اقتدار داخلی و بین‌المللی انجامید - قرار داشت». [۴۰] ولی پس از جنگ جهانی دوم، یک تغییر اساسی در هدف اجتماعی رخ داد. به قول راگی، این تغییر در «مصالحه لیبرالیسم ریشه‌دار» تبلور یافت: این تصور مشترک دولت‌های عمده که تعهدات بین‌المللی باید با اهداف سیاستگذاری اقتصادی داخلی سازگار باشد. «این شالوده مصالحه لیبرالیسم ریشه‌دار را تشکیل می‌داد: برخلاف ملی‌گرایی اقتصادی دهه

می‌دانند. به عبارت دیگر، این نظریه‌ها فرض می‌گیرند که دولت‌ها واحدهای یکپارچه‌ای با مجموعه معینی از ترجیحات یا ارزش‌ها هستند. به همین دلیل، یکی از تحولات مهم در نظریه‌های روابط بین‌الملل در دو دهه اخیر، توجه مجدد به بازیگران داخلی بوده است. در نظریه‌های اخیر، مفهوم دولت بعنوان یک بازیگر یکپارچه کنار گذاشته شده و در عوض سطح تحلیل «درون دولتی» مورد توجه قرار گرفته است. مسأله محوری این نظریه‌ها را نحوه تأثیر گذاری هنجارها و تحولات سیاسی داخلی بر همکاری بین‌المللی تشکیل می‌دهد. [۵۱] نظریه‌های غیر دولت‌گرایانه در مورد همکاری تجاری، جعبه سیاه توابع مطلوبیت و بسته هنجارهای دولت‌ها را باز می‌کنند. این نوع رویکردهای معطوف به داخل را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: مکتب عقل‌گرایانه («لیبرالیسم») و مکتب «شناخت‌گرایی ضعیف» که کاملاً یک روش سازنده‌انگازانه را دنبال می‌کند.

۱-۳) تکیه بر پوشش سیاسی داخلی:

نظریه لیبرالیسم

اندرو مور اوچیک یک «نظریه لیبرالی در باره روابط بین‌الملل» ارائه داده است که روی نقش افراد و گروه‌های خصوصی بعنوان بازیگران اصلی سیاست جهانی تأکید می‌کند و به نظر او این نظریه از نظر تحلیلی بهتر از واقع‌گرایی و نهادگرایی نولیبرالی است. [۵۲] حکومت زیر مجموعه‌ای از جامعه داخلی یا ملی است. مقامات دولتی خودخواه، ترجیحات دولت را بر اساس تأثیر و نفوذ انواع بازیگران داخلی غیردولتی تعیین می‌کنند و در سیاست جهانی به‌طور آگاهانه و هدفمندانه عمل می‌کنند. نهادهای نمایندگی و فرایندهای داخلی، ترجیحات و اولویتهای افراد و گروه‌های اجتماعی عمده را به سیاستهای دولت تبدیل می‌کنند. در نتیجه، کشور یا دولت یک بازیگر مستقل نیست، بلکه صرفاً کارگزار موکلان گوناگونی است که ترجیحاتی به هم پیوسته و تا حدودی متعارض دارند. کشورها یا دولت‌ها ترجیحات درون‌زاد خود را با توجه به محدودیت‌های ناشی از ترجیحات دولت‌های دیگر دنبال می‌کنند. [۵۳]

افکار و اندیشه‌ها را می‌توان «باورهای اصولی» یا «اعتقادات علی» تلقی کرد. این افکار و اندیشه‌ها می‌توانند مثل «نقشه‌های راهنما» به بازیگران در انتخاب یک برنامه عمل سازگار با برداشتهای تجویزی و تحلیلی خود کمک کنند. افکار و باورهای مشترک همچنین می‌توانند مانند اهدافی مشترک به دولت‌ها در حل مشکلات اقدام دسته جمعی در صورت وجود بیش از یک نتیجه یا بازده تعادلی کمک کنند [۴۶] سرانجام، افکار و اندیشه‌ها در صورتی که در قالب یک نهاد درآمده باشند می‌توانند روی دولت‌ها تأثیر بگذارند. [۴۷] در مورد نکته آخر، جویدیت گلدشتاین به بررسی این استدلال در مورد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت [گات] / سازمان جهانی تجارت پرداخته است که نهادهای بین‌المللی به افکار و هنجارها مشروعبیت بخشیده و آنها را اشاعه می‌دهند. او استدلال می‌کند که «اندیشه‌های تجارت آزاد در گروهی از نهادهای بین‌المللی موجود [از جمله گات / سازمان جهانی تجارت و صندوق بین‌المللی پول] جا افتاده‌اند. [۴۸] طرفداران نظریه ثبات سیادت آمیز هم اندیشه‌های سازنده‌انگازان را در نظریه‌پردازی خود وارد کرده‌اند. ایکن‌بری نوع لیبرالی از نظریه ثبات سیادت آمیز را مطرح ساخته است که نظریه رهبری هم خوانده می‌شود. نظریه رهبری به بحث درباره ماهیت یک دولت سیادت‌مند موجود می‌پردازد. ایکن‌بری این برداشت را که نظام سیادت آمیز صرفاً بر اساس کاربرد تواناییهای مادی (قدرت نظامی؛ کنترل مواد خام، بازارها و سرمایه؛ یا مزیت‌های رقابتی اقتصادی و تکنولوژیک) استوار است رد کرده و استدلال می‌نماید که دولت سیادت‌مند می‌کوشد تا پاره‌ای از هنجارها و ارزشهای محبوب خود را به نظام بین‌الملل تزریق کند. [۴۹] این دولت سیادت‌مند با تکیه بر رهبری اخلاقی و اعتبار و وجهه خود می‌کوشد تا سیادت خود را حفظ کند. [۵۰]

۲) نظریه‌های «غیر دولت‌گرایانه»

در مورد همکاری تجاری

یکی از نقایص کلیه نظریه‌های دولت‌گرایانه این است که ترجیحات و / یا هنجارهای دولت‌ها را بر وزن

رقیب محصولات وارداتی، نیروی کار غیر ماهر و اتحادیه‌های کارگری) يك مسأله بسیار پیچیده و غیر خطی است. غلبه برخی گروه‌های داخلی بر گروه‌های دیگر بشدت به ساختار ترجیحات داخلی، ماهیت و رویه‌های نهادهای سیاسی داخلی و توزیع داخلی اطلاعات بستگی دارد.

تلقی کردن موافقتنامه‌های تجاری بعنوان نتیجه منافع و پویای سیاسی داخلی می‌تواند ما را به دریافتهای تازه‌ای در مقایسه با نظریه‌های دولت‌گرایانه برساند. مهمترین نکته این است که توجیهات جدیدی برای انعقاد موافقتنامه‌های تجاری مطرح می‌شود: يك موافقتنامه تجاری بین‌المللی ممکن است صرفاً به این دلیل منعقد شود که يك یا چند گروه ذی‌نفع بر جسته-مثل صادرکنندگان داخلی- دولت را برای انعقاد آن موافقتنامه تحت فشار قرار می‌دهند. [۶۰] در يك حالت دیگر، يك دولت طرفدار تجارت آزاد ممکن است برای مقابله با فشارهای حمایت‌گرایانه گروه‌های فشار نیرومند داخلی به انعقاد يك موافقتنامه تجاری مبادرت ورزد. علاوه بر این، يك موافقتنامه تجاری ممکن است بيمه نامۀ خوبی برای رأی‌دهندگان يك کشور دموکراتیک به منظور کنترل رفتار حمایت‌گرایانه دولت خود باشد. [۶۱]

اگر اعمال نفوذ صادرکنندگان خارجی را هم در نظر بگیریم، توجیهات جدیدی برای انعقاد موافقتنامه‌های تجاری مطرح می‌شود. صادرکنندگان خارجی هم ممکن است بکوشند تاروی فرایند سیاست‌گذاری تجاری ملی تأثیر بگذارند. گذشته از این، اگر دولت را هم يك واحد یا بازیگر یکپارچه تلقی نکنیم و آنرا به‌طور واقع‌بینانه‌تر متشکل از واحدها یا بازیگرانی متفاوت و تا حدی رقیب تلقی کنیم، باز هم انگیزه‌ها و توجیهات جدیدی مطرح می‌شود. [۶۲] بدین ترتیب، نظریه‌پردازان لیبرال، سیاست‌گذاری تجاری را همچون يك بازی با بازیگران متعدد توصیف می‌کنند [۶۳]: شرکتهای خصوصی یا گروه‌های ذی‌نفع خودخواه- که ممکن است دست به ائتلاف‌سازی در کل کشور بزنند- به مذاکره با دستگاه‌های دولتی خودبین در مورد انعقاد يك موافقتنامه تجاری بین‌المللی می‌پردازند. برخی نویسندگان استدلال می‌کنند که این دقیقاً همان فرایندی

درحالی که نواقعی گرای و نهادگرایی نولیبرالی ریشه رژیم‌های بین‌المللی را در توزیع قدرت یا کاهش هزینه‌های معامله جستجو می‌کنند، نظریه لیبرالی روابط بین‌الملل روی اهمیت «ریشه‌داری اجتماعی» يك رژیم بین‌الملل تأکید می‌کند: رژیم‌های بین‌المللی وقتی به وجود می‌آیند که افراد و گروه‌های اجتماعی دچار هزینه‌های تعدیل بسیار بالایی نشوند که وحدت و همبستگی اجتماعی داخلی را به خطر اندازد. [۵۴]

طرفداران برجسته لیبرالیسم استدلال می‌کنند که همکاری تجاری به اصطلاح يك بازی دو سطحی است که در آن، مذاکره‌کنندگان تجاری در همکاری‌های بین‌المللی باید نظرات موکلان داخلی را لحاظ کنند. [۵۵] در سطح اول بازی، گروه‌های ذی‌نفع خاص داخلی می‌کوشند تا حمایت سیاست‌گذاران را جلب کنند و بدین طریق تأثیر زیادی روی نتیجه سطح دوم بازی می‌گذارند، یعنی سطحی که در آن، سیاست‌گذاران جزئیات موافقتنامه‌های تجاری بین‌المللی را تعیین می‌کنند. [۵۶] هلن میلنر مدلی درباره تعامل سیاست داخلی و سیاست بین‌المللی ارائه داده است که بر این فرض مبتنی است که دولتها بازیگران یکپارچه‌ای نیستند، بلکه ماهیتی «چندسالارانه» دارند، یعنی «از بازیگرانی با ترجیحات متفاوت تشکیل می‌شوند که قدرت تصمیم‌گیری بین آنها تقسیم شده است». [۵۷] میلنر به این نتیجه رسیده است که اگر فرض یکپارچگی دولتها را کنار بگذاریم، روشن می‌شود که حتاً نواقعی گرایان هم بیش از حد در مورد امکان همکاری بین‌المللی خوش بین هستند. پویای سیاسی داخلی همیشه همکاری بین‌المللی را دشوارتر می‌سازد. [۵۸]

متون لیبرالی زیادی درباره عوامل تعیین‌کننده ترجیحات سیاست‌گذاری تجاری داخلی و نقش نهادهای سیاسی داخلی وجود دارد. [۵۹] طرفداران نظریه‌های لیبرالی در مورد موافقتنامه‌های تجاری معتقدند که کشمکش گروه‌های داخلی نفع‌برنده از همکاری‌های تجاری بین‌المللی (مصرف‌کنندگان، صادرکنندگان داخلی و خارجی، صنایع استفاده‌کننده و واردکنندگان) با گروه‌های داخلی زیان‌برنده از تجارت آزاد (مثل صنایع

است که به انعقاد موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) و موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریس) انجامید. [۶۴]

۳-۲) تکیه بر هنجارسازی داخلی:
شناخت گرای ضعیف

نظریه‌هایی که زیر مقوله شناخت گرای ضعیف قرار می‌گیرند، می‌کوشند تا این مسأله را تبیین کنند که چگونه هنجارها، ارزشها، دانش و باورها پدید آمده و به تصمیمات دولتی تبدیل می‌شوند. [۶۵] این نظریه‌ها فرض عقلانیت ابزاری را به خودی خود زیر سؤال نمی‌برند و با تلقی کردن دولتها بعنوان بازیگران عقلانی خواهان بیشینه‌سازی مطلوبیت سازگاری دارند، زیرا روی چگونگی تأثیر گذاری اندیشه و دانش بر تعریف دولتها از منافع خود تأکید می‌کنند. با این حال، این نظریه‌ها با نظریه‌های سیستمی سازنده‌انگاره (شناخت گرای قوی) هم سازگارند، زیرا هنجارها و ارزشهایی که وارد سیستم یا نظام بین‌الملل می‌شوند، باید در جایی جمع بشوند.

شناخت گرایان ضعیف در روابط بین‌الملل اخیراً با بحث درباره نقش «جوامع شناختی» در تکوین و تکامل رژیم‌های بین‌المللی به تکیه بر نقش اندیشه و دانش در همکاری‌های بین‌المللی پرداخته‌اند. مفهوم «جامعه شناختی» در اینجا به این شکل تعریف شده است: «شبکه‌ای از افراد حرفه‌ای دارای مهارت و صلاحیت شناخته شده در یک حوزه خاص همراه با اقتدار و مرجعیت در زمینه دانش مرتبط با سیاستگذاری در آن حوزه خاص». [۶۶] برای مثال، برخی نویسندگان این مفهوم را در مورد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت / سازمان جهانی تجارت به کار برده و به مطالعه پیدایش یک «جامعه شناختی تجارت خدمات» در مذاکرات دورارو گوئه در مورد موافقتنامه عمومی تجارت خدمات پرداخته‌اند. [۶۷] این نویسندگان استدلال کرده‌اند که «جامعه شناختی» مذکور با تنظیم مسائل و تعیین گزینه‌های سیاستگذاری برای دولتها امکان تعریف یا بازبینی منافع ملی خود و پیگیری همکاری چندجانبه را فراهم ساخت.» [۶۸]

یکی از مضامین دیگر شناخت گرای ضعیف در روابط بین‌الملل به فرایند یادگیری در نهادهای بین‌المللی مربوط می‌شود، بویژه آن نوع یادگیری که متضمن تغییر برداشت يك دولت از منافع خود - در مقابل تغییر ساده برداشت يك دولت از بهترین روش دستیابی به اهداف خود - است. [۶۹] مطالعات نسبتاً کمی درباره یادگیری و تکوین دانش اجتماعی در چارچوب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت / سازمان جهانی تجارت انجام گرفته است. [۷۰]

یکی دیگر از محورهای شناخت گرای ضعیف به نقش کارفرمایان اخلاقی یا افراد برجسته‌ای مربوط می‌شود که روی هنجارها و ارزشهای مهم لازم برای همکاری بین‌المللی تأثیر گذاشته و / یا به گونه‌ای اساسی محتوا و ساختار معاهدات را تعیین می‌کنند. [۷۱] در مورد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، نقش برجسته برخی از شخصیت‌های پیشتاز در مورد تجارت آزاد بخوبی مستندسازی شده است. نویسندگان متعددی روی نقش برجسته افرادی مثل جان مینارد کینز، جیمز مید، لاینل رابینز و کوردل هال در ایجاد توافق لازم برای همکاری تجاری و تدوین متن موافقت‌نامه مذکور تأکید کرده‌اند. [۷۲]

۴) ارتباط نظریه‌های روابط بین‌الملل با

رویکردهای اقتصادی در زمینه همکاری تجاری

از مطالب بالا درمی‌یابیم که همکاری تجاری از جایگاه برجسته‌ای در رشته روابط بین‌الملل برخوردار است. برخی از نظریه‌های روابط بین‌الملل شباهت بسیار زیادی با نظریه‌های اقتصادی دارند. رویکردهای کنشگر محورانه و عقل‌گرایانه به همکاری تجاری (یعنی مکاتب نهادگرایی نولیبرالی و لیبرالیسم) از لحاظ روش شناختی با علم اقتصاد شباهت دارند و تبیین‌های آنها در مورد علت انعقاد موافقتنامه‌های تجاری از طرف دولتها نیز کاملاً شبیه علم اقتصاد است. [۷۳] با این حال، سایر گرایش‌های روابط بین‌الملل می‌توانند کمک زیادی به تکمیل تحقیقات اقتصادی درباره همکاری تجاری بکنند. نظریه پردازان روابط بین‌الملل از زوایایی به

اقتصادی با استفاده از نظریه‌های روابط بین‌الملل می‌توانند در مورد مسائل زیر تا حد زیادی تقویت شوند:

- ۱- نقش برجسته افراد، نخبگان و جوامع شناختی؛
- ۲- پیچیدگی‌های رقابت داخلی بین گروه‌های ذی‌نفوذ خاص؛ و
- ۳- تعامل گروه‌های ذی‌نفوذ خاص با سه قوه قانونگذاری، اجرایی و قضایی. گذشته از این، در برخی نظریه‌های روابط بین‌الملل روی تأثیر نظام بین‌الملل بر بازیگران منفرد تأکید می‌شود. در حالی که نوآفرینان معتقدند که سطح قدرت کشورها در نظام بین‌الملل به رفتار آنها در زمینه همکاری شکل می‌دهد، سازنده‌انگاران معتقدند که باورهای فراگیر بین‌ذهنی، گزینه‌ها و انتخاب‌های دولت‌ها را محدود می‌سازند.

سرانجام، مضامین و دیدگاه‌های جدید، پرسش‌های گوناگونی را در مورد همکاری تجاری برمی‌انگیزند. بعنوان نمونه می‌توان به پرسش‌های زیر اشاره کرد: «دولت» دقیقاً چیست؟ چگونه ترجیحات و اولویت‌های خود را تعیین می‌کند و مهمتر اینکه این ترجیحات و اولویت‌ها چگونه تغییر می‌یابند؟ [۷۵] چرا در همکاری تجاری، تاریخ اهمیت دارد و چگونه بازیگران به مرور

همکاری تجاری بین‌المللی نگریده‌اند که معمولاً از سوی اقتصاددانان مورد غفلت قرار گرفته یا حتی به طور کامل از حیطه تبیین‌های اقتصادی جاری خارج بوده‌اند. رویکردهای روابط بین‌الملل با برقراری ارتباط بین تجارت و سایر مضامین مهم امور بین‌الملل باعث بسط و توسعه رویکردهای اقتصادی به موافقتنامه‌های تجاری می‌شوند. مسائلی مثل قدرت و ارتقای صلح و دموکراسی باعث گسترش افق تحقیقات اقتصادی می‌شود. علاوه بر این، توجه به نقش اندیشه‌ها، هنجارها و ارزش‌ها در همکاری تجاری باعث روشنتر شدن ابعاد کیفی مهمی مثل عدالت، انصاف، مشروعیت و مشارکت می‌شود. رشته روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که دولت‌ها در ارزیابی موافقتنامه‌های تجاری فقط به ارزش‌های اقتصادی توجه نمی‌کنند. [۷۴]

رشته روابط بین‌الملل در مورد برخی ابعاد همکاری تجاری هم کمک بیشتری به ما می‌کند. برای مثال، در نظریه‌های اقتصادی درباره موافقتنامه‌های تجاری، بحث‌های مربوط به سطح درون دولتی به اندازه نظریه‌های روابط بین‌الملل توسعه نیافته است. بنابراین، نظریه‌های

نمایش طرح‌های نظریه‌های روابط بین‌الملل درباره همکاری

نظریه تصمیم‌گیری



۷. در متون روابط بین‌الملل، تعریف همه‌پذیری درباره «رژیم بین‌المللی» وجود ندارد. یکی از تعاریف رایج این اصطلاح عبارت است از مجموعه‌ای از «اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری که به انتظارات بازیگران در حوزه خاصی از روابط بین‌الملل جهت می‌بخشد». ر. ک. به:

Krasner 1983, p. 2.

برای آشنایی با تعاریف مختلف اصطلاح مذکور در نظریه‌های روابط بین‌الملل، از جمله. ر. ک. به:

Hasenclever et al. 1997, p. 8-22.

برخی از نظریه‌پردازان واژه «نهاد» را به واژه «رژیم» ترجیح می‌دهند:

Simmons and Martin 2002, p. 194.

ولی مفهوم «نهاد» هم به طرق بسیار متفاوتی در نظریه‌های روابط بین‌الملل به کار رفته است. برای مثال، ر. ک. به:

Buzan 2004 and Holsti 2004.

با این حال، برای ما که در اینجا در صدد تبیین منطق همکاری تجاری هستیم، چندان تفاوتی نمی‌کند که موافقتنامه‌های تجاری را رژیم تلقی کنیم یا نهاد. ولی یک چیز روشن است: موافقتنامه‌های تجاری بعنوان رژیم یا نهاد با قرارداد محض که اقتصاددانان از آن برای مفهوم‌سازی همکاری تجاری استفاده می‌کنند یکسان نیست.

۸. ر. ک. به:

Keohane 1984 and 2005.

این نویسنده می‌گوید: «رژیم بین‌المللی - یعنی مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری - باعث کاهش هزینه معاملات دولتها، کاهش مشکلات ناشی از نابرابری اطلاعات، و کاهش میزان تردید و عدم اطمینان اعضای رژیم در ارزیابی سیاستهای یکدیگر می‌گردد. رژیمهای بین‌المللی را هم مثل سایر نهادهای سیاسی می‌توان بر اساس منافع تبیین نمود. بعلاوه، این رژیمها با تغییر هزینه و سود گزینه‌های مختلف، روی سیاستهای دولتها تأثیر می‌گذارند. این رژیمها مسأله منافع را منتفی نمی‌سازند بلکه روی محاسبه منافع تأثیر می‌گذارند».

ر. ک. به:

Keohane 2005, p. xi.

اگر چه در متون روابط بین‌الملل معمولاً اصطلاح نهادگرایی نولیبرالی را در مورد آثار این نویسنده به کار می‌برند، ولی خود او برچسب «نولیبرال» را رد کرده است. ر. ک. به:

Keohane 2002, p. 3.

9. Keohane 1984.

۱۰. گونه‌های بعدی نهادگرایی نولیبرالی از رویکرد کارکردگرایانه کیوهین عدول کرده و برای سازمانهای بین‌المللی رسمی بعنوان تسهیل‌کنندگان همکاری، اهمیت و نقش بیشتری

زمان تغییر می‌یابند؟ [۷۶] الگوی چانه‌زنی چیست و چگونه نهادها، عادات، فرهنگ و مذهب داخلی روی برداشتهای یادگیری و تصمیم‌گیری بازیگران تأثیر می‌گذارد؟ به طور خلاصه، رویکردی که از تحلیل محض کارایی فراتر می‌رود، نشان می‌دهد که همکاری تجاری کشورها از عوامل غیر اقتصادی مثل تاریخ، محیط سیاسی و اجتماعی و انواع بازیگران ذی‌نفع دارای انگیزه‌های گوناگون تأثیر می‌پذیرد.

یادداشتها

۱. بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل تعریف رابرت کیوهین درباره «همکاری» را پذیرفته‌اند: همکاری وقتی وجود دارد که «بازیگران از طریق هماهنگی سیاستهای خود، رفتار خود را با ترجیحات و اولویتهای بالفعل یا بالقوه دیگران سازگار می‌سازند». ر. ک. به:

Keohane 1984, p. 51; Grieco 1990, p. 22; and Milner 1998, p. 7.

برای مطالعه آثاری که به مرور نظریه‌های روابط بین‌الملل در زمینه همکاری و نهادسازی بین‌المللی پرداخته‌اند، از جمله، ر. ک. به:

Simmons and Martin 2002; Hasenclever et al. 1997 and 2000; Krasner 1999, p. 43-72; Martin and Simmons 1998; Snidal 1997; Haggard and Simmons 1987; and Kratochwill and Ruggie 1986.

۲. نظریه‌های نواقعه‌گرایی (neorealism)، نهادگرایی نولیبرالی (neoliberal Institutionalism)، لیبرالیسم و سازنده‌انگاری (constructivism) که در مقاله حاضر به طور مفصل مورد بررسی قرار خواهند گرفت، اغلب «نظریه‌های کلان» روابط بین‌الملل خوانده می‌شوند.

3. Hasenclever et al. 1997, p. 23.

برای آشنایی با کاربرد نظریه‌های مبتنی بر انتخاب عقلانی (rational choice) در نظریه‌های روابط بین‌الملل، از جمله، ر. ک. به:

Snidal 2002.

۴. برای آشنایی با سازنده‌انگاری در روابط بین‌الملل، ر. ک. به: Adler 2002, Guzzini 2002, Wendt 1999, Checkel 1998, Ruggie 1998, Reus - Smit 1997, Finnemore 1999 and Kratochwil 1989.

۵. ر. ک. به:

Ruggie 1983.

۶. ر. ک. به:

Lang 2006, p. 83

- قابل شده‌اند.
۱۱. ر.ك. به: Abbott and Snidal 1998.
- این نظریه از تجربه رژیم تجاری «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت» (گات) در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تأثیر زیادی پذیرفت. کیوهین می‌گوید که «در واقع، می‌توان گفت که نظریه من به منزله تعمیم تجربه گات است». ر.ك. به: Keohane 2005, p. xi.
۱۲. برای مثال، ر.ك. به: Aggarwal and Dupont 1999 and 2004, Ostrom 2003 and Sandler 1992.
۱۳. ر.ك. به: Stein 1983 and Martin 1993.
- به طور خلاصه، در رژیم‌ها یا بازیهای همکاری-مثل بازی معمای زندانی-منافع بازیگران تا حدودی متعارض است و هر یک از آنها با فریب بازیگر دیگر می‌تواند به گونه‌ای فرصت طلبانه عمل کند. در مقابل، در بازیهای هماهنگی-مثل بازی «نبرد جنسی»-مسأله فرصت طلبی مطرح نیست. در اینجا، (battle of sexes) هیچ بازیگری از کناره‌گیری سود نمی‌برد. بازیگران با همکاری با یکدیگر به معامله‌ای دست خواهند یافت که برای هر دو بهتر خواهد بود. با این حال، بازیهای هماهنگی هم فارغ از اختلاف نظر نیستند؛ نوغاً، بیش از یک بازده یا نتیجه تعادلی مبتنی بر کارایی پارتو وجود دارد. بنابراین، دولت‌ها باید به طور جمعی یکی از انواع تعادل‌های رفاهی را برگزینند. بدین ترتیب، بازیگران مختلف [ممکن است] تعادل‌های متفاوتی را ترجیح دهند و این امر باعث بروز تنش و اختلاف بین بازیگران می‌گردد.
۱۴. آن دسته از موافقتنامه‌های تجاری را که بر پایه «حداقل استاندارد» (minimum standard) یا «همگرایی و ادغام مثبت» (positive integration) استوارند-مثل موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری و موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری در سازمان جهانی تجارت-شاید بتوان بازیهای همکاری خواند، چرا که کلیه طرف‌ها یا بازیگران می‌دانند که تن در دادن به درجه‌ای از قانونمندی برای همه بهتر است. با این حال، ممکن است بین طرف‌ها یا بازیگران در مورد درجه بهینه همکاری اختلاف نظر وجود داشته باشد.
15. Krasner 1991, p. 140.
۱۶. طرفداران نظریه‌های توزیع با استفاده از ماتریس نسبتاً پیچیده‌تر چهارخانه‌ای اشاره می‌کنند که همکاری در مورد مسائل پیچیده معمولاً نقاط تعادل بسیاری در بر دارد که دو یا چند طرف یا بازیگر، آنها را به نبود موافقتنامه یا همکاری ترجیح می‌دهند. با وجود این، طرف‌ها یا بازیگران اختلاف نظر زیادی در رتبه‌بندی یا اولویت‌بندی ذهنی موافقتنامه‌های مرضی‌الطرفین
- دارند. با واقع‌بینی بیشتر از طریق توجه به پویایی پدیده‌ها، ابهام و عدم اطمینان، و نابرابری اطلاعات درباره «موضع یا حرف آخر» طرف‌ها یا بازیگران دیگر می‌توان دریافت که عملاً کلیه وضعیت‌های همکاری بین‌المللی با منازعات توزیعی در مورد شرایط همکاری در آمیخته‌اند. ر.ك. به: Fearon 1998.
۱۷. برای مثال، ر.ك. به: Goldstein 1993.
- گوا و منسفیلد استدلال می‌کنند که استعاره معمای زندانی، مهمترین جنبه موافقتنامه‌های تجارت آزاد در یک نظام مبتنی بر هرج و مرج را نشان نمی‌دهد: آثار امنیتی منفی. ر.ك. به: Gowa and Mansfield 1993 and Gowa 1989.
18. Grieco and Ikenberry 2003, p. 103-105; Mearshemer 1995; and Grieco 1988 and 1990.
19. Grieco 1990, p. 39.
۲۰. تأکید نو واقع‌گرایان بر منافع نسبی در تقابل با نظر نهادگرایان نولیبرال قرار دارد که روی منافع مطلق تأکید می‌کنند و معتقدند که دولت‌ها در پی بیشینه‌سازی رفاه هستند و چندان به منافع سایر دولت‌ها از همکاری متقابل توجه ندارند. جالب این که گریکو استدلال نمی‌کند که نگرانی او درباره منافع نسبی به معنای بی‌اهمیت بودن نهادهای بین‌المللی است. برعکس، تکیه بر منافع نسبی به تبیین برخی از کارکردهای نهادهای بین‌المللی مثل لزوم پرداخت‌های جانبی رسمی اعضای قویتر برای جبران زیان اعضای ضعیفتر کمک می‌کند. ر.ك. به: Grieco 1990, p. 234.
۲۱. ر.ك. به: Baldwin 1993.
22. Grieco 1990, p. 168-215.
۲۳. برای مثال، ر.ك. به: Gruber 2000, p. 22-27; Fearon 1998, p. 288; Morrow 1997; Keohane 1993; Powell 1991; and Snidal 1991.
۲۴. همچنین، ر.ك. به: Grieco and Ikenberry 2003, p. 104-105.
25. Gruber 2000.
۲۶. ر.ك. به: Steinberg 2002, p. 341 and 349 and Barton et al. 2006, p. 206.
۲۷. برای آشنایی با این برداشت پس‌استعماری در مورد همکاری تجاری، از جمله، ر.ك. به: Jawara and Kwa 2004.
28. Fearon 1998, p. 207 and 275-276.
۲۹. «گسترده بودن چشم‌انداز آینده (shadow of the future) در عین حال که می‌تواند اجرای یک موافقتنامه بین‌المللی را تسهیل کند، می‌تواند باعث تشویق دولت‌ها به چانه‌زنی سخت‌تر و

38. Ruggie 1983, p. 196.
39. *Ibid.*, 198.
40. *Ibid.*, p. 208.
41. *Ibid.*, p. 209.
- اندر و لانگ اخیراً اظهار داشته است که «در حالی که درباره لیسبر ایسم ریشه دار نسبتاً زیاد حرف زده شده است، ولی چارچوب نظری حاکم بر آن مورد غفلت قرار گرفته است». به طور اخص، حقوقدانان تجاری در شناخت ماهیت رژیم تجاری، از رویکردهای عقل گرایانه زیاد استفاده کرده اند ولی به برداشت راگی از رژیم تجاری بعنوان يك «چارچوب معنایی بینادهنی» به اندازه کافی توجه نکرده اند. لانگ استدلال کرده است که اندیشه‌های سازنده‌انگاران می‌تواند کمک زیادی به تعمیق و توسعه شناخت ما از رژیم تجاری و حقوق تجارت بکند. ر. ک. به:
- Lang 2006, p. 83.
۴۲. برخی از طرفداران این مکتب، جامعه بین‌المللی را به منزله گروهی از دولتها می‌دانند که «با گفتگو و رضایت، به ایجاد قواعد و نهادهای مشترکی برای هدایت روابط خود پرداخته و به نفع مشترک خود در حفظ این ترتیبات آگاهی دارند». ر. ک. به:
- Bull and Watson 1984, p. 1.
- عده‌ای دیگر از طرفداران این مکتب نیز معتقدند که وجود جامعه بین‌المللی معلول این است که دولتها فکر می‌کنند که چنین جامعه‌ای وجود دارد. ر. ک. به:
- Evans and Wilson 1992, p. 32.
43. Bull 1977.
۴۴. ر. ک. به:
- Penrose 1953.
- سوابق تاریخی بروشنی نشان می‌دهد که سازمان تجارت بین‌المللی / موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) را متفقین جزئی از يك طرح همکاری بزرگتر می‌دانستند که تأسیس سازمان ملل متحد، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را هم در برمی‌گرفت. برای مثال، ر. ک. به:
- Jackson 1969, Dam 1970 and Gardner 1980.
۴۵. ملی‌گرایی اقتصادی و گسترش گروه‌بندیهای منطقه‌ای در دهه ۱۹۳۰ یکی از علل عمده کشمکش و همچنین جنگ جهانی دوم تلقی می‌شد.
۴۶. افکار و اندیشه‌ها مانند اهدافی مشترک به احتمال زیاد وقتی اهمیت خاصی می‌یابند که ترجیحات بازیگران در مورد يك مسأله خاص خیلی قوی نیستند یا منافع آنها در حالت توازن متقابل قرار دارند. در این صورت، بازیگران در صدد یافتن نقشه راه‌نما یا نقطه اشتراکی برمی‌آیند تا آنها را به سوی يك نتیجه یا بازده تعادلی هدایت کند.
۴۷. ر. ک. به:
- در نتیجه به تأخیر انداختن انعقاد يك موافقتنامه به امید دستیابی به يك توافق بهتر نیز بشود». ر. ک. به:
- Fearon 1998, p. 270.
30. *Ibid.*, p. 298.
- فیرون بر نکته‌ای تأکید می‌کند که اسنیدال به آن اشاره کرده است: «تقریباً در کلیه مسائل مربوط به همکاری بین‌المللی، آمیزه‌ای از دغدغه‌های مربوط به کارایی و توزیع دیده می‌شود». ر. ک. به:
- Snidal 1997, p. 485.
- همچنین، ر. ک. به:
- Morrow 1994.
۳۱. «... موانع عمده به پایان رسیدن سه دور مذاکرات اخیر در چارچوب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت را مسائل دشوار نظارت، تعهد، اجرا یا ارائه اطلاعات لازم برای اجرا تشکیل نمی‌دادند، بلکه شکست مداوم مذاکرات به این مسأله مربوط می‌شد که چه کسی باید امتیازات لازم برای انعقاد يك موافقتنامه را بپردازد». ر. ک. به:
- Fearon 1998, p. 289.
۳۲. گنجاندن مسأله جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری در مذاکرات دورار و گوته یکی از نمونه‌های ایجاد پیوند بین مسائل مختلف و پرداختهای جانبی برای دستیابی به يك توافق است.
۳۳. ر. ک. به:
- Kindleberger 1973, Krasner 1976 and Gilpin 1987.
۳۴. برای نمونه، ر. ک. به:
- Strange 1982, Conybeare 1984 or Snidal 1985.
- مطالعات تجربی چندان نظریه ثابت سیادت آمیز را در شکل خام آن تأیید نکرده‌اند. این نظریه از لحاظ نظری هم مورد انتقاد گرفته است. یکی از انتقادات نظری عمده این است که این نظریه به نادرستی فرض می‌کند که يك رژیم بین‌المللی، يك کالای عمومی است. بر همین اساس هم بسیاری از تحلیلگران معتقدند که تجارت آزاد و رژیم گات، کالاهای عمومی نیستند. انتقاد دیگر این است که حتی اگر بپذیریم که رژیمهای بین‌المللی، کالاهایی عمومی هستند. این گونه کالاهار گروههای کوچکتری از دولتها نیز می‌توانند ارائه دهند، گروههایی آنقدر کوچک که هر يك از دولتهای عضو می‌تواند دریابد که آیا سایر دولتهای عضو گروه به عرضه کالای جمعی مربوطه کمک می‌کنند یا خیر. ر. ک. به:
- Milner 2002, Hasenclever et al. 1997, Lake 1993 and Keohane 1984.
35. Goldstein and Gowa 2002, p. 154.
۳۶. ر. ک. به:
- Hasenclever et al. 1997, p. 167-168.
۳۷. برای مثال، ر. ک. به:
- Reus- Smit 1997 and Ruggie 1993.
- ولی برای مطالعه يك اثر انتقادی، ر. ک. به:
- Martin 1993.

- کشورها از عواید نسبی سایر کشورها یا احتمال خدعه و نیرنگ». ر. ک. به:
- Milner 1998, p. 234.
۵۹. به عنوان نمونه، ر. ک. به:
- Goldstein 1998, Gourevitch 2002 and Milner 2002.
60. Milner 1988.
61. Mansfield et al. 2002.
۶۲. روشن است که واحدها و مؤسسات دولتی متفاوت، علایق و منافع متفاوتی را در فرایند سیاستگذاری تجاری ملی تعقیب می کنند. بسیار احتمال دارد که قانونگذاران، وزارخانه‌ها، مؤسسات دولتی، اعضای هیأت دولت و رؤسای دولت دارای علایق و منافع، محدودیتها و دستور کارهای متعارضی باشند. برای مطالعه اثری برای صورت بندی بازبای استراتژیک داخلی در این چارچوب، ر. ک. به:
- Ethier 2001 a.
۶۳. هر چند تلقی کردن موافقتنامه‌های تجاری بعنوان نتیجه تعادلی یک بازی با بازیگران متعدد کاملاً بدیهی به نظر می رسد، ولی عملیاتی کردن این برداشت برای اقامه فرضیه‌ها و پیش بینی‌های آزمون پذیر دشوار است. در حال حاضر، روشها و فنون مناسب مورد نیاز است. ر. ک. به:
- Grossman and Helpman 2001.
۶۴. برای مثال، ر. ک. به:
- Harms et al. 2003 and Odell and Sell 2006.
65. Hasenclever et al. 1997, p. 140.
- طرفداران شناخت گرای ضعیف در تحلیل پیدایش، انتشار و دگرگونی اندیشه‌ها از مفهوم «چرخه زندگی هنجارها» (norm life cycle) استفاده کرده‌اند. ر. ک. به:
- Finnemore and Sikkink 1998
- این چرخه یا دوره زندگی از مراحل زیر تشکیل می شود: پیدایش (ایجاد هنجارها) سرزیری (cascade) (انتشار داخلی از طریق جامعه پذیری) و بین المللی شدن (انتشار جهانی از طریق فشار همتایان، سازمانهای بین المللی و / یا هنجار گستران).
66. Haas 1992, p. 3.
67. Drake and Nicolaidis 1992, p. 95.
۶۸. همچنین، ر. ک. به:
- Lang 2006, p. 109.
- در سطحی کلی تر، گلدشتاین استدلال می کند که «... یک جامعه شناختی متشکل از اقتصاددانان، سیاستگذاران و حقوقدانان وجود دارد که برداشت مشترکی از رشد اقتصادی دارند (...). اعضای این جامعه همچون یک گروه ذی نفوذ بین المللی عمل
- Goldstein and Keohane 1993; Keohane 2002, p. 5-6; and Hasenclever et al. 1997, p. 143-144.
۴۸. گلدشتاین تأکید می کند که هنجارهای تجارت آزاد جافتاده در سازمان جهانی تجارت «شبهه مدلهای تجارت آزاد متون اقتصادی نیست. بنیادهای ایدئولوژیک این رژیم تجاری [بین المللی]، التقاطی است و آزادی تجاری را با ثبات داخلی در آمیخته است: آزادسازی تجارت بین کشورها هرگز یک هدف مستقل نبوده و فقط وسیله‌ای برای رسیدن به رشد اقتصادی داخلی تلقی شده است» ر. ک. به:
- Goldstein 1998, p. 146-147.
۴۹. ایکن بری به تجزیه و تحلیل سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم پرداخته و آن را به «معامله‌ای نهادی» بین دولت‌های نابرابر بعد از یک جنگ تشبیه می کند، معامله‌ای که بر اساس آن «دولت فرادست می پذیرد که در قبال فرمانبرداری بیشتر دولت‌های فرودست، از توانایی بالقوه خود برای اعمال سلطه یا کناره گیری استفاده نکند». ر. ک. به:
- Ikenberry 2001, p. 258-259.
۵۰. برای مثال، ر. ک. به:
- Ikenberry and Kupchan 1990.
۵۱. ر. ک. به:
- Gourevitch 2002, Milner 2002, Moravcsik 1997 and 1998, Milner 1998, Downs and Rocke 1995; and Evans et al. 1993.
52. Moravcski 1997.
۵۳. از نظر روش شناسی و طرح تحقیق، لیبرالها اغلب از همان فنون مدل سازی مورد استفاده اقتصاددانان معاصر استفاده می کنند: نظریه بازیها، مدلهای کار گزار - موکل (principal-agent model)، مفاهیم پیشینه سازی مطلوبیت و غیره. بنابراین، رویکردهای لیبرالی به همکاری تجاری وجوه اشتراک زیادی با رویکرد اقتصاد سیاسی به سیاستگذاری تجاری داخلی (همچنین موسوم به «نظریه‌های تجاری درون زاد») دارند. برای مثال، ر. ک. به:
- Baldwin 1987, Grossman and Helpman and 1994 and 2001 and Rodrik 1995.
۵۴. برای نمونه، ر. ک. به:
- Corden 1997.
55. Putnam 1988.
۵۶. بعنوان مثال، ر. ک. به:
- Grossman and Helpman 1995, Milner 1998, Milner and Rosendorff 1997 and Ruggie 1982.
57. Milner 1998, p. 11.
۵۸. از نظر میلنر، «همکاری بین کشورها بیشتر از پیامدهای توزیعی داخلی همکاری بین المللی تأثیر می پذیرد تا از ترس

به مراتب پیچیده تر سازمان جهانی تجارت تبدیل شد.

منابع

- Abbott, K. and Snidal, D. (1998) 'Why States Act through Formal International Organizations', **The Journal of Conflict Resolution** 42, 1: 3-32.
- Adler, E. (2002) 'Constructivism in International Relations', in Carlsnaes, W., Simmons, B. and Risse, T. (eds) **Handbook of International Relations**, London, Thousand Oaks, New Delhi: Sage. pp. 95-118.
- Aggarwal, V. K. and Dupont, C. (1999) 'Goods, Games and Institutions', **International Political Science Review** 20, 4: 393-409.
- -- (2004) 'Collaboration and Coordination in the Global Political Economy', in Ravenhill, J. (ed.) **Global Political Economy**, Oxford: Oxford University Press. pp. 28-49.
- Baldwin, D.A. (ed) (1993) **Neorealism and Neoliberalism: The Contemporary Debate**, New York: Columbia University Press.
- Baldwin, R.E. (1987) 'Politically Realistic Objective Functions and Trade Policy', **Economic Letters** 24: 287-90.
- Barton, J. H., Goldstein, J.L., Josling, T. E. and Steinberg, R.H. (2006) **The Evolution of the Trade Regime: Politics, Law, and Economics of the GATT and the WTO**, Princeton and Oxford: Princeton University Press.
- Bull, H. (1977) **The Anarchical Society**. London, UK: Macmillan.
- Bull, H. and Watson, A. (eds) (1984) **The Expansion of International Society**, Oxford, UK: Oxford University Press.
- Buzan, B. (2004) **From International to World Society? English School Theory and the Social Structure of Globalisation**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Checkel, J. T. (1998) 'The Constructivist Turn in International Relations Theory', **World Politics** 50, 2: 324-348.
- Conybeare, J.A.C. (1984) Public Goods, Prisoners' Dilemma and the International Political Economy, **International Studies Quarterly** 28, 1: 5-22.
- Corden, M. (1997) **Trade Policy and Economic Welfare**, Oxford: Oxford University Press.
- Dam, K. W. (1970) **The GATT: Law and International Economic Organization**, Chicago: The University of Chicago Press.
- Downs, G. W. and Rocke, D.M. (1995) **Optimal Imperfection? Domestic Uncertainty and Institutions in International Relations**, Princeton: Princeton Uni-

می کنند و به حمایت از آزادسازی تجاری و تقبیح حمایت گرایی در کشورهای خود می پردازند. دلایل متعددی برای حمایت اعضای يك جامعه شناختی از آزادسازی تجاری وجود دارد. (...). صرف نظر از خاستگاه اعتقادات این اعضا، آنها اقدامات دولت را تحت نظارت قرار داده و نظرات کارشناسانه ای در مورد عملکرد اقتصاد ارائه می دهند» (ر. ک. به: Goldstein 1998, p. 146.

۶۹. ر. ک. به:

Haas 1990.

۷۰. رابرت وولف دستیابی به دانش اجتماعی جدید را یکی از سه نقش اصلی سازمان جهانی تجارت دانسته و به تحلیل تعامل موجود بین ساختار نهادی، ائتلافها، فرایند مذاکراتی و یادگیری در مذاکرات دور دو حه پرداخته است. بنابراین، «مذاکره» فقط نوعی «چانه زنی» نیست، بلکه یادگیری را هم در بر می گیرد. ر. ک. به: Wolfe 2006.

برخی نویسندگان هم تحلیل تجربی مهمی درباره نحوه یادگیری در مذاکرات تجارت سازمان جهانی تجارت ارائه داده اند: Dupont et al. 2006.

۷۱. برای نمونه. ر. ک. به:

Finnemore 1996 and Checkel 1998.

72. Penrose 1953, Jackson 1969, Dam 1970, Gardner 1980, Irwin 1996 and Miller 2000.

برای تعیین کارفرمایان اخلاقی که به اندیشه های تجارت آزاد رایج بین جوامع امروز شکل دادند، شناخت گرایان اجتماعی حتماً ممکن است به سالهای دور تر برگردند: نظریه پردازان تجاری مدرن به احتمال زیاد از اندیشه های شخصیت های برجسته ای مثل رنه دکارت، دیوید ریکاردو، جان استوارت میل، رابرت تورنس و دیگران الهام گرفته اند. همه آنها در شکل گیری تفکر نظریه پردازان و دست اندر کاران تجاری مدرن درباره تجارت بین الملل نقش داشته اند.

۷۳. به طور خلاصه، هر دو مکتب روی دستیابی به کارایی پارتو تأکید می کنند. این دقیقاً همان روشی است که در علم اقتصاد به کار می رود. بنابراین، مرز میان رشته های اقتصاد و روابط بین الملل همیشه روشن نیست.

۷۴. بنابراین، دلایل عدم مبادرت به همکاری تجاری به اندازه دلایل مبادرت به آن حایز اهمیت است و مذاکره کنندگان تجاری باید اکراه دولتها برای مشارکت در همکاری تجاری را هم پیش بینی کرده و بر آن فایق آیند.

۷۵. بعنوان مثال، در اینجا می توان این پرسش را مطرح ساخت که چرا اویتنام پس از گذشت حدود ۶۰ سال از عمر نظام تجاری چندجانبه تصمیم گرفت که به سازمان جهانی تجارت بپیوندد.

۷۶. برای مثال، يك سؤال جالب در اینجا این است که چرا موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت پس از سالها به ترتیبات

- Gowa, J. (1989) 'Bipolarity, Multipolarity, and Free Trade', **American Political Science Review** 83, 4: 1254-1256.
- Gowa, J. and Mansfield, E.D. (1993) 'Power Politics and International Trade', **American Political Science Review** 87, 2: 408-420.
- Grieco, J.M. (1988) 'Anarchy and the Limits of Cooperation: A Realist Critique of the Newest Liberal Institutionalism', **International Organization** 42, 3: 485-507.
- -- (1990) **Cooperation among Nations: Europe, America and Non - Tariff Barriers to Trade**, Ithaca: Cornell University Press.
- Grieco, I.M. and Ikenberry, G.J. (2003) **State Power and World Markets: The International Political Economy**, New York and London: W.W. Norton and Company.
- Grossman, G.M. and Helpman, E. (1994) 'Protection for Sale', **American Economic Review** 84, September: 833-50.
- -- (1995) 'Trade War and Trade Talks' **Journal of Political Economy** 103: 675-708.
- (2001) **Special Interest Politics**, Cambridge, MA: MIT Press.
- Gruber, L. (2000) **Ruling the World: Power Politics and the Rise of Supranational Institutions**, Princeton: Princeton University Press.
- Guzzini, G. (2002) 'A Reconstruction of Constructivism in International Relations', **European Journal of International Relations** 6,2: 147-182.
- Haas, E.B. (1990) **When Knowledge is Power: Three Models of Change in International Organizations**, Berkeley, Los Angeles, London: University of California Press.
- Haas, P.M. (1992) 'Introduction: Epistemic Communities and International Policy Coordination', in P.M. Haas (ed) **Knowledge, Power, and International Policy Coordination**, Columbia: University of South Carolina Press. pp. 3-35
- Haggard, S. and Simmons B.A. (1987) 'Theories of International Regimes', **International Organization** 41, 3: 491-517.
- Harms, P. Mattoo, A and Schuknecht, L. (2003) 'Explaining liberalization commitments in financial services trade', **World Bank Policy Research Paper** 2999.
- Hasenclever, H., Mayer P. and Rittberger V. (1997) **Theories of International Regimes**, Cambridge: University Press.
- (2000) 'Integrating Theories of International Regimes', **Review of International Studies** 26, 1:3- 33.
- Holsti, K.J. (2004) **Taming the Sovereigns: International** Press.
- Drake, W. Jand Nicolaïdis, K. (1992) 'Ideas, Interests and Institutionalization: 'Trade in Services' and the Uruguay Round' in Haas, P.M. (ed) **Knowledge, Power, and International Policy Coordination**, Columbia: University of South Carolina Press pp. 37-100.
- Dupont, C., Beverelli, C. and Pézard, S. (2006) 'Learning in Multilateral Trade Negotiations: Some Results from Simulation from Developing Countries', in Odell, J.S. (ed) **Negotiating Trade: Developing Countries in the WTO and NAFTA**, Cambridge: Cambridge University Press. pp. 145-174.
- Ethier, W.J. (2001a) 'Theoretical problems in negotiating trade liberalization', **European Journal of Political Economy** 17: 209-232.
- Evans, T. and Wilson, P. (1992) 'Regime Theory and the English School of International Relations: A Comparison', **Millenium: Journal of International Studies** 21, 3:330.
- Fearon, J.D. (1998) 'Bargaining, Enforcement, and International Cooperation', **International Organization** 52, 2: 269-305.
- Finnemore, M. (1996) **National Interests in International Society**, Ithaca and London: Cornell University Press.
- Finnemore, M. and Sikkink, K. (1998) 'International Norm Dynamics and Political Change', **International Organization** 52, 4: 887-918.
- Gardner, R. N. (1980) **Sterling- Dollar Diplomacy in Current Perspective: The Origins and the Prospects of our International Economic Order**, New York: Columbia University Press.
- Gilpin, R. (1987) **The Political Economy of International Relations**, Princeton: Princeton University Press.
- Goldstein, J (1993) 'Creating the HATT Rules: Politics, Institutions, and American Policy', in Ruggie, J.G. (ed) **Multilateralism Matters: The Theory and Praxis of an Institutional Form**, New York: Columbia University Press. pp. 201-232.
- -- (1998) 'International Institutions and Domestic Politics: GATT, WTO, and the Liberalization of International Trade', in Krueger, A.O. (ed) **The WTO As An International Organization**, Chicago and London: The University of of Chicago Press. pp. 133-152.
- Goldstein, J. and Keohane, R.O. (eds) (1993) **Ideas and Foreign Policy**, Ithaca: Cornell University Press.
- Gourevitch, P. (2002) 'Domestic Politics and International Relations', in Carlsnaes, W., Simmons, B. and Risse, T. (eds) **Handbook of International Relations**, London, Thousand Oaks, New Delhi: Sage. pp. 309-328.

- national Organization: A State of the Art on an Art of the State, **International Organization** 40, 4: 753-775.
- Lake, D. (1993) 'Leadership, Hegemony, and the International Economy: Naked Emperor or Tattered Monarch with Potential?', **International Studies Quarterly** 37: 459-489.
- Lang, A.T.F. (2006) 'Reconstructing Embedded Liberalism: John Gerard Ruggie and Constructivist Approaches to the Study of the International Trade Regime' **Journal of International Economic Law** 9, 1: 81-116.
- Mansfield, F.D. Milner, H.V. and Rosendorff, B.P. (2002). 'Why Democracies Cooperate More: Electoral Control and International Trade Agreements', **International Organization** 56, 3: 477-513.
- Martin, L.L. (1993) 'The Rational State Choice of Multilateralism', in Ruggie, J.G. (ed.) **Multilateralism Matters: The Theory and Praxis of an International Form**, New York: Columbia University Press. pp. 91-121.
- Martin, L.L. and Simmons B.A. (1998) 'Theories and Empirical Studies of International Institutions', **International Organization** 52, 4: 729-775.
- Mearsheimer, J.J. (1995) 'The False Promise of International Institutions', **International Security** 19-3:5-49.
- Miller, J.N. (2000) 'Origins of the GATT: British resistance to American multilateralism', **Cambridge University Jerome Levy Economics Institute at Bard College, Working Paper no. 318**.
- Milner, H.V. (1998) **Interests, Institutions and Information: Domestic Politics and International Relations**, Princeton: Princeton University Press.
- (2002) 'International Trade', in Carlsnaes, W., Simmons, B. and Risse, T. (eds) **Handbook of International Relations**, London, Thousand Oaks, New Delhi: Sage, pp. 448-461.
- Milner, H.V. and Rosendorff, B.P. (1997) 'Democratic politics and International Trade Negotiations: Elections and Divided Government as Constraints on Trade Liberalization', **Journal of Conflict Resolution** 41, 1:117-46.
- Moravcsik, A. (1997) 'Taking Preferences Seriously: A Liberal Theory of International Politics', **International Organization** 51, 4: 513-553.
- (1988) **The Choice for Europe: Social Purpose & State Power from Messina to Maastricht**, London: Cornell University Press.
- Morrow, J.D. (1994) 'Modeling the Forms of International Cooperation: Distribution Versus Information', **International Organization** 48, 3: 387-423.
- stitutional Change in International Politics**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Ikenberry, G. J. (2001) **After Victory: Institutions, Strategic Restraint, and the Rebuilding of Order After Major Wars**, Princeton and Oxford: Princeton University Press.
- Ikenberry, J.G. and Kupchan, C. A. (1990) 'Socialization and Hegemonic Power' **International Organization** 44, 3: 23-315.
- Irwin, D.A. (1996) **Against the Tide: Intellectual History of Free Trade**, Princeton, NY: Princeton University Press.
- Jackson, J.H. (1906) **World Trade and the Law of GATT**, New York: Bobbs-Merrill.
- Jawara, F. and Kwa, A. (2004) **Behind the Scenes at the WTO: The Real World of International Trade Negotiations: Lessons of Cancun**, 2nd edition, London and New York: Zed Books (distributed by Palgrave, New York).
- Keohane, R.O. (1984) **After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy**, Princeton: Princeton University Press.
- (1993) 'Institutional Theory and the Realist Challenge After the Cold War' in Baldwin, D.A. (ed) **Neorealism and Neoliberalism: The Contemporary Debate**, New York: Columbia University Press pp. 269-300.
- (2002) **Power and Governance in a Partially Globalized World**, London and New York: Routledge.
- (2005) **After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy** (with a new preface by the author), Princeton and Oxford: Princeton University press.
- Kindleberger, C.P (1973) **The World in Depression, 1929-1939**, Berkely: University of California Press
- Kraner, S. D. (1976) 'State Power and the Structure of International Trade', **World Politics** 28,2: 317-347
- -- (1983) 'Structural Causes and Regime Consequences: Regimes as Intervening Variables', in Krasner, S.D. (ed) **International Regimes**, Ithaca and London: Cornell University Press.
- -- 1991) 'Global Communications and National Power: Life on the Pareto Frontier', **World Politics** 43: 336-366.
- -- (1999) **Sovereignty: Organized Hypocrisy**, Princeton: Princeton University Press.
- Kratochwil, F.V. (1989) **Rules, Norms, and Decisions: On the Conditions of Practical and Legal Reasoning in International Relations and Domestic Affairs**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Kratochwil, F. V. and Ruggie, J.G. (1986) 'Inter-

- Sandler, T. (1992) **Collective Action. Theory and Applications**, Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Schermers, H. and Blokker, N. (1995) **International Institutional Law: Unity Within Diversity**. 3rd rev. edition, Cambridge, MA: Kluwer Law International.
- Simmons, B.A. and Martin, L.L. (2002) 'International Organizations and Institutions', in Carlsnaes, W., Simmons, B. and Risse, T. (eds) **Handbook of International Relations**, London Thousand Oaks, New Delhi: Sage. pp. 192-211.
- Snidal, D. (1985) 'The Limits of Hegemonic Stability Theory', **International Organization** 39, 4: 579-614.
- -- (1991) 'Relative Gains and the Pattern of International Cooperation', **American Political Science Review** 85, 3: 701-726.
- -- (1997) 'International Political Economy Approaches to International Institutions' in Bhandari, J.S. and Sykes, A.O. (eds) **Economic Dimensions in International Law: Comparative and Empirical Perspectives**, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 477-512.
- -- (2002) 'Rational Choice and International Relations', in Carlsnaes, W., Simmons, B. and Risse, T. (eds) **Handbook of International Relations**, London, Thousand Oaks, New Delhi: Sage. pp. 73-94.
- Stein, A. (1983) 'Coordination and Collaboration Regimes in an Anarchic World', in Krasner, S.D. (ed) **International Regimes**, Ithaca and London: Cornell University Press. pp. 115-140.
- Steinberg, R.H. (2002) 'Consensus - Based Bargaining and Outcomes in the GATT/WTO', **International Organization** 56, 2: 339-374.
- Strange, S. (1982) 'Cave! Hic Dragones: A Critique of Regime Analysis', **International Organization** 36, 2: 479-496.
- Wendt, A. (1999) **Social Theory of International Politics** Cambridge: Cambridge University Press.
- Wolfe, R. (2006) 'New Groups in the WTO Agricultural Trade Negotiations: Power, Learning and International Design', **CATPRN Commissioned Paper** CP 2006-2.
- (1997) 'When Do 'Relative Gains' Impede Trade?', **Journal of Conflict Resolution** 41, 1: 12-37.
- Odell, J. and Sell, S. (2006) 'Reframing the Issue: The Coalition on Intellectual Property and Public Health in the WTO, 2001' in Odell, J. (ed.) **Negotiating Trade: Developing Countries in the WTO and NAFTA**. New York, NY: Cambridge University Press.
- Ostrom, E. (2003) "How types of goods and property rights jointly affect collective action", **Journal of Theoretical Politics** 15, 3: 239-270.
- Penrose, E. F. (1953) **Economic Planning for the Peace**. Princeton NJ: Princeton University Press.
- Powell, R. (1991) 'Absolute Gains and Relative Gains in International Relations Theory', **American Political Science Review** 85, 4: 1303-1320.
- Putnam, R.D. (1988) 'Diplomacy and Domestic Politics: The Logic of Two-Level Games', **International Organization** 42, 3: 427-60.
- Reus - Smit, C.(1997) 'The Constitutional Structure of International Society and the Nature of Fundamental Institutions', **International Organization** 51, 4: 555-589.
- Rodrik, D. (1995) 'Political Economy of Trade Policy', in Grossman, G. and Rogoff, K. (eds) **Handbook of International Economics**. Amsterdam: New Holland. pp. 457-1494.
- Ruggie, J.G. (1982) 'International Regimes, Transactions, and Change: Embedded Liberalism in the Postwar Economic Order', **International Organization**, 36, 2: 379-415.
- (1983) 'International Regimes, Transactions and Change: Embedded Liberalism in the Postwar Economic Order', in Krasner, S.D. (ed) **International Regimes**, Ithaca and London: Cornell University Press. pp. 195-231.
- (1998) **Constructing the World Polity: Essays on International Institutionalization**, London and New York: Routledge.
- Ruggie, J. G. (ed) (1993) **Multilateralism Matters: The Theory and Praxis of an International Form**, New York: Columbia University Press.